



بازخوانی نقش عناصر بصری ادراکی گذرهای بافت تاریخی یزد به منظور سامان دهی نظام ادراکی شهروندان

امیراحسان پویان* عبدالحمید قنبران** عباس حسینزاده***

چکیده

گذرهای موجود در بافت‌های کهن، مکانی خلاق و زنده برای درک موقعیت انسان در محیط و پیوند او با گذشته است. ارتقای حس تعلق مکان در محلات بافت قدیم یزد به طریق تعامل مردم با فضاهای گذر، می‌تواند در مدیریت و اصلاح امور محلات، محیط مسکونی و سازمان‌دهی محلات، مؤثر واقع شود. این عامل به کمک عوامل ادراک محیطی، می‌تواند ارتباطی مستحکم و دوسویه میان سازمان ادراکی و نظم و تعیین فضای شهری ایجاد نماید. هدف مقاله حاضر، خوانش بهتر عناصر و مؤلفه‌های شهری، فهم روشن معنای مکان‌ها و تقویت هویت فردی و اجتماعی است. پرسش تحقیق پیش رو، مشخص نمودن نقش عناصر بصری گذر وقت و ساعت یزد در میزان ادراک هویتی مخاطب بر اساس عوامل ادراک محیط است. برای پاسخ به این سؤال، گذر وقت و ساعت یزد انتخاب شد و روش تحقیق در بخش اول، به صورت میدانی و توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های معتبر بوده و در بخش دوم، بر اساس روش پیمایشی با ابزار مشاهده، پرسش‌نامه و مصاحبه، به تحلیل داده‌ها و متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. دیدگاه‌های مخاطبین گذر، طی پرسش‌نامه‌هایی با حجم آماری برگرفته از فرمول کوکران، در حیطه ادراک هویتی عناصر بصری جمع‌آوری شده و در قالب نرم‌افزار SPSS₂₁، طی آزمون‌های آماری میانه مورد تحلیل قرار گرفتند. مؤلفه‌های مختلفی در ادراک محیط گذر وقت و ساعت توسط مخاطبان مد نظر قرار گرفته که عبارت بودند از: عمق ارتباط با گذر، آگاهی آنها نسبت به محیط و زمینه، اهل یزد بودن و ...؛ از سوی دیگر در نتایج تحقیق، عناصر بصری همچون؛ ساباط‌ها، تویزه‌ها، کف‌سازی سنگفرشی آزارها و ورودی برخی بناهای عمومی شاخص، اهمیت خاصی در بازخوانی عناصر بصری گذر وقت و ساعت یزد داشتند. در این راستا، ثبت گذر که حفاظت و احیای آن می‌تواند به تثبیت و تشدید نقش گذر در سامان نظام ادراکی ساکنان بینجامد، از جمله راهکارهای حفظ و احیای این گذر تاریخی است.

کلیدواژه‌ها: عناصر بصری، بافت قدیم یزد، سازمان دهی ادراکی، گذر وقت و ساعت، ادراک محیط

* دانشجوی دکتری معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران. pouyanehsan@gmail.com

** دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران (نویسنده مسئول). ghanbaran@sru.ac.ir

*** کارشناسی ارشد معماری. abbas.hoseinzadeh.ar@gmail.com

مقدمه

ادراک ما از معابر و فضاهای شهر، توسط عناصر بصری (شخصیت محیط، میزان سر و صدا، سطح امنیت و ...)، تفاوت‌های فردی (جنسیت فرد، تجربه خود، ویژگی‌های روانی فرد و ...) یا ویژگی‌های متمایز آنها (میراث تاریخی و فرهنگی، کیفیت زندگی، سطح توسعه و ...) تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Kruzhkova, 2013). اماکن با شکل فیزیکی، فعالیت و معنا تجسم می‌یابند. این بدان معنی است که با فرآیندهای روانی و اجتماعی فرد و ایجاد ادراک، مرتبط هستند.

ادراک هویتی نه تنها اجزای فیزیکی، بلکه معنا و رابطه را بین مخاطبین و محیط توسعه داده و به طور هم‌زمان، ویژگی‌های فرهنگی با درک عاطفی مخاطب و نیازهای کارکردی مکان و تمایز آن از دیگر محیط‌ها و تداوم در طول زمان را مشخص می‌نماید (Ujang, 2012 Lewcika, 2010: 51). در نگاه ایرانیان، ماهیت و هویت هر فضا بر پایه رویدادهای انسانی که در آن و با آن رخ داده است، شکل گرفته و فضا با آن رویدادها، «این‌همانی» پیدا می‌کند (نقره‌کار، ۱۳۷۸: ۱۷). لیکن از این منظر، هر قدر مؤلفه‌های هویتی فضا با عناصر و اجزایی (عناصر بصری) که دارای نوعی ارتباط متقابل فضایی یکپارچه و به هم پیوسته بوده (دانشپور و شیرینی، ۱۳۹۴: ۲۰) هماهنگ‌تر و همسان‌تر باشند، با مشاهده و قرارگیری درون فضا، احساس این‌همانی با آن نمود بیشتری پیدا می‌کند.

شهر را می‌توان محیطی برای تجلی ارزش‌های منبعث از اعتقادات جهان‌بینی و فرهنگ ساکنان و پدیدآورندگان آن دانست. این مفهوم در طول دوران و در سرزمین‌های مختلف با محیط‌های طبیعی و انسانی متفاوت و تحت تأثیر تحولات تاریخی و ایدئولوژیکی، افت و خیز فیزیکی و اجتماعی و تغییرات بسیاری به خود دیده است؛ به گونه‌ای که شمار زیادی از عناصر و اجزای شهر کهن در آنها رنگ باخته‌اند (Movahed et al., 2012). و نه تنها شهروندان، بلکه کالبد و فضاهای شهری از قبیل بافت شهر نیز با این موج فراگیر تطبیق نیافته، در مواردی هم که تغییر یافته (همانند تعریض معابر و گذرها، تخریب مدام ساختمان‌ها، استفاده بیش از پیش از خودروهای شخصی و ...)، محیط را برای شهروندان، بیگانه نموده و آنها را در معرض خطر قرار داده و از تعادل عمومی خارج می‌کنند (امینی، ۱۳۸۷). بر این اساس، تعارضاتی چون؛ عدم تنوع کاربری‌ها، پیوند نامناسب اجتماعی و فضایی بین عملکردهای شهری، آلودگی‌های زیست‌محیطی، افزایش درصد مهاجرت از پهنه شهری، توزیع نامناسب خدمات شهری، عدم امکان دسترسی و استفاده از آن در تمام شهر، تقسیم ناعادلانه

فضاهای سبز و باز عمومی و ...، در شهرهای معاصر ما روز به روز آشکار شده‌اند. بنابراین، برنامه‌ریزی شهر امروز و آینده ما بدون توجه به ساختارهای محیطی و فرهنگی، نمی‌تواند پویایی و توسعه پایداری داشته باشد (شماعی، ۱۳۸۹: ۹۴). با توجه به این عوامل در بافت، هر مکان به‌عنوان محیطی دوستانه و راحت که فرصت‌هایی برای توسعه و تحقق خود دارد و یا به‌عنوان محلی تهدیدآمیز و خطرناک که اثرات منفی واقعی و بالقوه‌ای را فراهم می‌کند، متفاوت درک خواهد شد (Kruzhkova, 2013).

گذر یکی از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده بافت‌های شهری، در حین ایفای نقش پیوند فضایی بافت شهر، باعث ایجاد انسجام فضایی آن شده و از اصلی‌ترین آرمان‌های آن، ایجاد تفاوت‌های منحصر به فرد و کیفیت‌های گوناگون مکانی یا همان هویت متمایز و مشخص بوده است. گذر عامل دسترسی، اتصال، مفصل‌بندی و خرید، بستر فعالیت‌هایی چون تعاملات اجتماعی، تبلور بصری و معنایی بوده؛ بدین ترتیب، واسطه‌ای میان انسان، ادراک و احساس با فضا است (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۹).

یکی از بارزترین نمونه‌های گذر در محله‌ای از بافت قدیم شهر یزد، گذر «وقت و ساعت» از محله قدیمی «مسجد جامع یزد» است. قرارگیری گذر وقت و ساعت در بافت تاریخی شهر یزد که در سال‌های اخیر به دلیل رشد شتاب‌زده قیمت املاک و تغییر کاربری‌ها، تحولات زیادی را نسبت به خود شاهد بوده، در کنار مکان‌یابی مناسب آن و فضاهای شهری گوناگون، این گذر را واجد شرایطی یکی از مناسب‌ترین نمونه‌های موردی برای تحقیق حاضر نموده است.

ارتقای حس تعلق به مکان در محلات بافت قدیم یزد از طریق سازمان‌دهی عناصر و عوامل ادراک محیطی محله وقت و ساعت و بسترسازی تعامل مردم با معانی هویتی فضاهای گذر، هدف نهایی این پژوهش است. برای احیای مناظر بافت قدیم شهر یزد همچون گذر وقت و ساعت، در این نوشتار، تلاش بر این است که به بررسی ادراک افرادی که در ارتباط مکانی-تاریخی با این فضا قرار داشته‌اند، پرداخته شود.

تحقیق حاضر، در پی پاسخ‌گویی به سؤال کلیدی-نقش عناصر بصری گذر وقت و ساعت یزد در میزان ادراک هویتی مخاطب بر اساس عوامل ادراک محیط-بوده و همچنین، به دنبال پاسخ به سؤال فرعی-الگوهای قرارگاه‌های رفتاری در گذر وقت و ساعت یزد که در بهبود شاخص‌های کیفیت ادراک هویتی مؤثر باشند کدام هستند؟- نیز است.

روش تحقیق در بخش اول، به‌صورت میدانی و توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های معتبر

یا شهر وجود داشته باشد. آنها از لحاظ ابعاد، دارای تفاوت قابل ملاحظه‌ای هستند؛ از گذرهای عریض و طولانی گرفته تا کوچه‌های بن‌بست تنگ و باریک. میدان‌ها نیز محوطه‌هایی محصور و مستقل از گذرها نبودند، بلکه در ارتباط تنگاتنگ با گذرهایی که به آنها راه می‌یافته قرار داشتند. گذرهای اصلی، هر یک نقشی از قبیل؛ عبور و مرور وسائط نقلیه، حمل بار، توقف و استراحت، تجارت یا گردهمایی مردم را بر عهده داشته، در حالی که گذرهای فرعی فقط مورد استفاده آمد و شد قرار می‌گرفتند (بنه‌ولو، ۱۳۸۵: ۵۶) (تصویر ۱).

هویتی که در بستر تاریخ جامعه ایران شکل گرفته و با گذر زمان، این ارزش در فرد فرد اجتماع آن را درونی کرده، رفتار را هدایت و نهایتاً جامعه را یکپارچه نموده است (دانشپور و شیرینی، ۱۳۹۴: ۲۲). چه اگر پذیرفته شود که گذرهای پیچ در پیچ و کوچه‌های بن‌بست، مسئله‌ای فرهنگی و در جهت اولویت‌بخشی به فضای خصوصی اندرونی و ایجاد سلسله مراتب بوده، حتماً این طرح‌ها ساختارمند، عقلانی و منظم جلوه خواهند کرد (دانش، ۱۳۸۹: ۲۷) و وحدت رفتاری را ایجاد خواهند نمود که در سطح جامعه، کالبد جستجو شود و نیازهای روانی فرد و جامعه را برطرف نماید (Movahed et al., 2012: 46). طبق نوشته ویتلی، شهرهای تاریخی ایران در حقیقت، سازمانی کاملاً معین و به‌طور منطقی طرح‌ریزی شده هستند. در این راستا، نظام بن‌بست‌هایی که از گذرها



تصویر ۱. گذر (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۹)

بوده و در بخش دوم بر اساس روش پیمایشی با ابزار مشاهده، پرسش‌نامه و مصاحبه، به تحلیل داده‌ها و متغیرهای پژوهش در محیط نرم‌افزار SPSS₂₁ پرداخته شده است.

بازخوانی مفهوم گذرها با اتکا به ضرورت‌ها و نیازهای زمانه و جایگاه کهن فرهنگی و تاریخی محلات می‌تواند از یک‌سو، سبب حفظ نظام اجتماعی و اقتصادی محلات تاریخی شهری شده و به دنبال آن، جلوگیری از نابودی ساختار کالبدی آنها شود و از سوی دیگر، شکل‌گیری مفهوم گذر در بافت‌های توسعه‌یافته شهری را به دنبال داشته باشد (لطیفی و صفری چاپک، ۱۳۹۲: ۱۰). بازخوانی نقش عناصر بصری در ادراک هویتی گذرها توسط مخاطبان، می‌تواند در شناخت منزلت گذرها در محلات بافت‌های قدیمی، حفاظت و احیای آنها نقش مؤثری داشته باشد.

گذر و عوامل محیطی آن از نگاه صاحب‌نظران

بافت قدیم، از الحاق خانه‌های حیاطدار محصور به یکدیگر شکل گرفته و آنچه به‌صورت وقفه در فاصله بین این خانه‌های به‌ظاهر نامنظم ولی در واقع مزین به مراعات نظام هویتی باقی مانده، به فضای شهری و گذرها تبدیل شده است. پس، کوچه بن‌بست که مشخصه بافت قدیم شهر ایرانی بوده، در واقع تجلی متأثر از محیط واحد خانوادگی است (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۷: ۱۰۷). محلات مسکونی غالباً دور از پهنه بازار و گذرهای اصلی پررفت‌وآمد، با گذرها و کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ برپا می‌شوند. خانه‌ها، خرد و تنگ و به‌هم چسبیده و در عین حال مجزا از یکدیگر و خودبسنده و رو به آسمان هستند (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۹۸). ساختمان، نگاه خود را به بیرون مستور کرده، به درون توجه دارد. پنجره‌های مُشرف به گذر نیز به‌صورت مشبک درآمده تا افراد داخلی بتوانند بدون آنکه دیده شوند، قسمت بیرونی را ببینند. حتی کوچه نیز ادامه خانه است و بیشتر به‌عنوان یک دالان داخلی تلقی می‌شود تا آنکه گذری محلی برای داد و ستد و گردش باشد. این گذرها و کوچه‌های امتدادیافته تا جلوی در ورودی خانه‌ها، هیچ تصویری از ماهیت یا ابعاد محله به‌دست نمی‌دهند (بنه‌ولو، ۱۳۸۵: ۱۰).

در صورتی که هدف از احداث گذر، نقل و انتقال افراد و کالاها باشد، نظام شبکه باز معبر، عقلانی خواهد بود، اما چنانچه هدف، ایجاد محدودیت بیشتر و ایجاد مراتب در حرکت و بخش‌بخش کردن آن باشد، نظام باریک و پیچ در پیچ گذر، کارایی بیشتری خواهد داشت (Brown, 1973: 187). گذرها به طریقی انتظام یافته تا شکل فضایی یکپارچه‌ای را القا کنند که در آن همیشه امکان جهت‌یابی و درکی کلی از محله

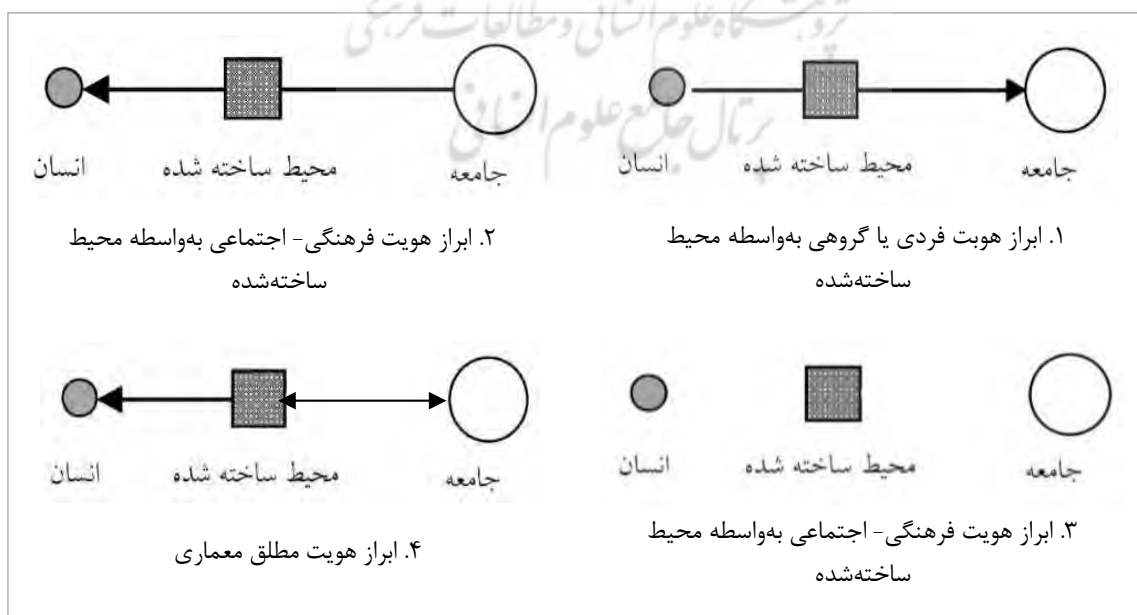
و کوچه‌ها منشعب می‌شدند، راهی کارآمد و اقتصادی برای دسترسی نیمه‌خصوصی به بیشترین تعداد واحد مسکونی را فراهم می‌کند تا افراد از کوچه‌های باریکی که تا عمق مجتمع‌ها نفوذ می‌کرده، وارد خانه‌ها شوند. هر یک از خانه‌ها، بخشی از مجتمع را تشکیل می‌داد و بیش از دو یا سه خانواده در آن شریک نبودند (Wheatley, 1976: 354-366).

نسبت ادراک هویتی با ادراک محیط بافت‌های قدیمی بررسی مفهوم مکان در بافت شهری بر اساس دیدگاه پدیدارشناسی، مبین این است که مکان، بیش از یک محل انتزاعی بوده و مجموعه‌ای از عناصری است که در کنار یکدیگر هویت محیط را تعریف می‌کنند؛ چیزی که در واقعیت، ماهیت آن محسوب می‌شود (Norberg Schulz et al., 1980: 112). از سوی دیگر، دیدگاه اثبات‌گرایی، تفاوت میان ارزیابی مردم از مکان‌ها را ناشی از تفاوت میان انسان‌ها دانسته و آن را بیانگر محور اصلی و نقطه ثقل «سامانه‌های مفهومی» مردم در ارتباط با یک مکان مشخص قلمداد می‌کند (CANTER et al., 1977: 105-113). بر این اساس، مکان‌ها مرتبط با انسان بوده و نتیجه روابط متقابل میان دو عامل «رفتار انسانی» و «ویژگی‌های عناصر بصری» مربوط به آن هستند که با تأکید بر هر یک از مؤلفه‌های مذکور، آن مکان خاص، ساختارهای مفهومی یا هویتی متفاوتی را برای افراد گوناگونی می‌پذیرد. الکساندر پس از اشاره به کیفیتی که موجب زنده ماندن بناها و شهرها می‌شود، چنین عنوان می‌کند که برای تعریف این کیفیت در بناها و شهرها، باید کار را با درک هویت هر

فضا که از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویدادها در آن مکان حاصل می‌شود شروع کنیم (الکساندر، ۱۳۸۵: ۶۵). محیط ساخته‌شده هر چه هست، تجربه مشترک زندگی مردم را در محلی خاص شکل می‌دهد و لذا نمی‌توان در طراحی محیط، مردم و استفاده‌کنندگان از محیط را نادیده گرفت (استوتزل، ۱۳۷۳: ۷۷). بدین سبب، نیاز به ارتباط مکان با هویت فرد اجتماع روشن می‌شود. به‌طور کلی، با توجه به مطالعات دامیار، چهار رابطه هویتی در مکان به شرح تصویر ۲ را می‌توان مشخص نمود.

ادوارد رلف در کتاب «مکان و بی‌مکان»، سه بُعد اصلی برای «هویت در مکان» قائل است. او بیان می‌کند «مشخصات فیزیکی، فعالیت‌ها و معنی، اجزای اصلی هویت مکانی را شکل می‌دهند» (Relph, 1976: 47). او به هویت مکانی اشاره می‌کند که تحت تأثیر حس مکان است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵)؛ مفاهیمی که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل، به جستجو و درک آنها می‌پردازند (Rapoport, 1990: 23). بر اساس این دیدگاه، ادراک و قضاوتی که بر مبنای رمزگشایی از معانی مذکور در ذهن فرد شکل گرفته، منجر به خلق حس مکان می‌شود (Relph, 1976: 87).

دونینگ بیان می‌کند «اگر چه هر تصویر خاصی از مکان، منحصر به فرد است، الگوهای به وجود آورنده قلمروها نیز برگرفته از این تصاویر ذهنی هستند؛ مکان مقدس، مکان محلی، مکان اجدادی، مکان مشترک، مکان تنهایی، مکان



تصویر ۲. چهار رابطه هویتی (دامیار، ۱۳۹۳: ۹۱)

باشد، هویت کم‌رنگی خواهد داشت و خوگیری با آن ممکن نخواهد بود (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۵: ۴۹) (تصویر ۴). سیما (چشم‌انداز): در ورود به شهر، چهره‌ای از شهر پدیدار می‌شود که پیکری سرکش و یا پیکری ساده، افتاده، همساز و لمیده بر بستر محیط اطراف بوده که نمایانگر افتادگی، بی‌پیرایگی، سادگی و بی‌تکلفی مردمان آن شهر و یا عکس است. ارتباط برون- درون، حقیقتی است که برای اهمیت یافتن هر مکانی ضروری به نظر می‌رسد (تصویر ۵). «هویت پذیرفتن هر جا، منوط به نزدیک شدن ما بدان است و منظره اطراف، به تدریج که به آن نزدیک می‌شویم، هستی می‌پذیرد» (ژید، ۱۳۶۷: ۲۰)؛ همان‌طور که وجود بادگیرهای متعدد با ارتفاعات مختلف در شهر یزد، گویای این مطلب هستند. نظم فضایی: هر مکانی به حکم ماهیت خود در فضا، نسبت عمیقی با هویت هر شهر دارد؛ لذا سیمای شهر محقق است و چون چنین بوده و هست، به نظم فضایی که خود حاصل از نظم ادراکی بوده، نیازمند است. «اتم‌سفر هر مکانی، با یک فرم یکپارچه و انسجام فضایی، تناظر برقرار می‌کند و تک تک عناصر این مکان به یاری این کلیت متناظر، توصیف و شناخته می‌شوند» (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۵: ۴۳). به کمک همین یگانگی و یکپارچگی برآمده از نظم فضایی است که اتم‌سفر و جو مکان بر فرد نمایان می‌شود (غفاری سده، ۱۳۷۱: ۸). این نظم فضایی در بافت‌های تاریخی - همانند گذر یوزداران یزد که دارای واشدگاه و تیمچه‌ای است و در نهایت، مسیر، به

صمیمی، مکان گروهی، مکان‌هایی که در امتداد افق امتداد یافته و مکان‌هایی که محصوریت و حفاظت ایجاد می‌کنند، اینها قلمروهایی از رویدادهای زندگی هستند» (Downing, 2003: 216).

با جمع‌بندی مباحث مطروحه و دسته‌بندی‌های ارائه‌شده توسط صاحب‌نظران و با استفاده از معیارهای ادراک محیط، خصوصیات مکان در بافت‌های قدیمی که انسان را به سوی درک هویت مکان رهنمون می‌سازد را می‌توان به پنج گروه؛ خاطره، سیما، نظم فضایی، رویداد و هویت فردی تقسیم کرد (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱). اگر هر یک از این وجوه در مکان حضور نداشته باشد، وضوح و روشنی مکان از میان خواهد رفت و معنایی از پس این مکان به او متبادر نخواهد شد. در ادامه، به توضیح مختصری در مورد هر کدام از آنها پرداخته خواهد شد و در انتها تصویر ۳ ارائه می‌شود.

خاطره (حس مکان): یکی از شروط لازم برای کاربرد هر مکانی، «خاطره» است. ما برای شناخت عناصر و اشیای بنیادین، باید شناختی از آنها داشته باشیم و این ممکن نمی‌شود مگر اینکه خاطره‌ای از آنها وجود داشته باشد؛ همانند محله گلچینان یزد با واقع شدن دانشکده معماری (خانه رسول‌بان) و یا محله یعقوبی یزد به علت وجود قبرستان اولیه یزد. حس مکان، تجربه خاص یک شخص در یک بستر خاص است و این بستر، پیرامون بی‌واسطه شخص بوده که شامل عناصر کالبدی و اجتماعی است (Hashemnezhad et al., 2013: 11). مکانی که فاقد نشانه‌های آشنای شکلی و تصویری

هم‌پیوندی انسان و فضا- وضوح در درک و شناخت آن و سهولت برقراری پیوند بین عناصر و اجزای آن با سایر رویدادها و مکان‌ها در یک زمان و مکان- ریشه داشتن- ملاحظات زیبا شناختی- کیفیت‌های بصری و هنری- حرکت پیاپی در فضا- کاراکترهای مشخص مکان.	خاطره (حس مکان)
چشم‌انداز روشن- امکان رویارویی- ارتباط درون و بیرون- هماهنگی شکل و پیوستگی فضایی- وضوح، روشنی و سادگی- توالی در دیدهای پیاپی- عناصر نشانه‌ای مشخص- نور و رنگ، بافت، فرم، شکل- خط آسمان.	سیما (چشم‌انداز)
تشابه، تضاد، تجانس و تقابل اجزای مختلف یک مکان- نظم و پیوستگی- عملکردی- نظم ادراکی- گروهی دیدن عناصر- محصور کردن فضا- ایستایی و پویایی- مقیاس و تناسبات- قلمرو- ترکیب- فضاها متباین- اندازه و فاصله- انعطاف‌پذیری.	نظم فضایی
سلسله مراتب فضایی- باورهای اجتماعی و فردی- نیاز- حضور در مکان- شناخت مکان.	رویداد
مکان‌های فردی در کنار مکان‌های جمعی- گسترش مفهوم خود- خودانگیختگی- امنیت عاطفی و کالبدی.	هویت فردی

تک و تنها به مأوای خود پناه می‌بریم. تنها هنگامی که از آستانه مأوا و مسکن خود درمی‌گذریم، به واقع خود را در کاشانه می‌یابیم. در خانه است که بودن ما در جهان آن‌گونه که هستیم معنی پیدا کرده و سکنی‌گزینی تعریف می‌شود (همان). «خانه، مکانی است برای هویت‌های تک‌افتاده ما انسان‌ها؛ مکانی است که امنیت و رفاه را در آن می‌جوییم. خانه آنچه را که شخصی و خصوصی است در خود فراهم می‌آورد و از این‌رو، آئینه روح است» (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۵: ۴۶).

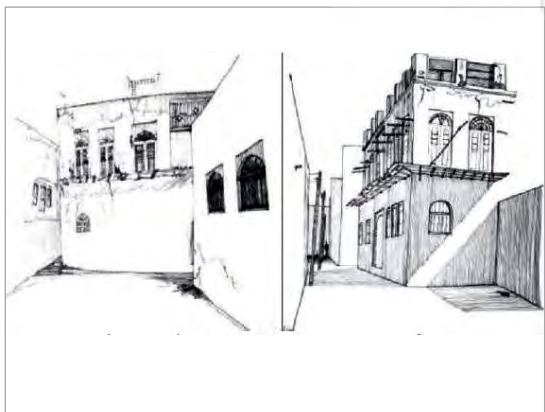
مورد پژوهی

معرفی نمونه مطالعاتی

شهر یزد که مرکز استان یزد بوده، دارای ۵ منطقه است. محدوده مورد مطالعه، جزئی از بافت قدیمی آن است که دارای عناصر معماری بسیار بوده و در فصل مشترک نواحی ۱ و ۲ منطقه ۵ شهر یزد واقع شده است. گذر وقت و ساعت از جهات شمال، به محلات فهادان و بازار نو، از جنوب، به خیابان مسجد جامع، از شرق، به خیابان امام خمینی و از غرب، به محلات شاه ابوالقاسم و دروازه‌شاهی محدود می‌شود (تصویر ۸).^۱



تصویر ۵. سیمای واضح بصری در بافتی تاریخی (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲)



تصویر ۷. ایجاد گشودگی برای رویارویی با بنا در بافت تاریخی بوشهر (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۳)

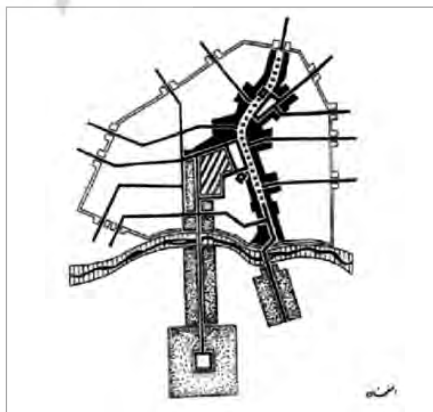
زندان اسکندر ختم می‌شود- دربرگیرنده تشابه، تضاد، تجانس و تقابل اجزای مختلف مکان است؛ همانند نظم فضایی در بافت قدیم شهر اصفهان (تصویر ۶).

رویداد: رسیدن به مکان که پس از رویارویی رخ می‌دهد و شناخت مکان که پس از کشف نظم فضایی آن رخ داده، به ماندن، تعمق و فهم رویداد مکان می‌انجامد. هم رویداد از فهم بیننده حاصل می‌شود و هم مکان دیدار می‌تواند به سادگی، محلی برای ژرفاندیشی و تأمل برای فهم رویداد مکان باشد که در این حالت، دوری و فاصله‌ای میان دیدارکنندگان به وجود می‌آید. در شهرهای قدیم ایران از جمله یزد، با استفاده از پهن و باریک شدن فضا و همچنین سرباز و سربسته بودن آن، فضاهای متباین ایجاد شده‌اند. در طراحی فضاها، تفاوت در نحوه محصور کردن از نظر مقیاس و تناسب جزئیات بدنه محصورکننده، سبب تشدید تباین در رشته‌ای از فضاها شده است. در این فضاها، توجه بسیاری به جاذبه‌های بصری و حس مکان‌یابی صورت گرفته است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶) (تصویر ۷).

هویت فردی: هر کاربردی در خود، حسی از گوشه‌گیری و انزوا را نیز دارد و آن انزوا هنگامی پدیدار می‌شود که



تصویر ۴. نمونه‌ای از تزئین‌های آجری سردر منازل دزفول که سبب نقش‌انگیزی ذهنی در بیننده می‌شود (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۸)



تصویر ۶. نظم فضایی در بافت قدیم اصفهان (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳)

روش پژوهش

با توجه به برداشت میدانی و مصاحبه‌های انجام گرفته، به تبیین عوامل سامان ادراک محیطی گذر وقت و ساعت در ذهن بیننده پرداخته شد. سپس، پرسش‌نامه‌هایی برای سنجش ادراک هویتی در گذر وقت و ساعت در مورد عوامل مؤثر بر معرفی گذر، بین مخاطبین توزیع شده که بر اساس فرمول کوکران، از میان حجم جمعیت تقریبی ۱۵۰۰ نفری ساکن در محله وقت و ساعت، تعداد ۳۱۰ نفر مورد بررسی قرار گرفته شدند و پس از آن، از نرم‌افزار SPSS و آزمون آماری میانه استفاده شد.

جداول ۲ و ۳، در مورد یکی از عوامل ادراک هویتی در گذر وقت و ساعت هستند. در این جداول، به میزان عوامل مؤثر در معرفی گذر پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهند مخاطبین گذر که از طریق آشنایان در این محیط حضور داشته (۷۶ مورد)، سهم بیشتری را به خود اختصاص داده بودند و در نتیجه، بین عوامل مؤثر در معرفی گذر و میزان ادراک هویتی بازدیدکنندگان، رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه، صحت انتخاب جامعه آماری را تأیید می‌نمود.

جامعه آماری مخاطبین این پژوهش، دو دسته هستند؛ اول، جامعه هدف و ساکنین خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی محدوده گذر وقت و ساعت و دوم، توریست‌ها و افراد گذری مخاطب (انتخاب توریست و افراد گذری، به‌عنوان گزینه متمم ساکنین گذر وقت و ساعت بود که به تنوع دیدگاه اما گاهی تأیید نظر ساکنین نیز می‌انجامید) که با تحلیل آنها، به سؤالات این پژوهش پاسخ داده شد؛ سؤالاتی چون، چه ویژگی‌هایی، حس تعلق و ادراک هویت مکانی گذر را دستخوش تغییر قرار داده‌اند و همچنین با چه تغییراتی (از قبیل جذابیت، ماندگاری، شاخص شدن و...) در گذر، می‌توان حس تعلق و ادراک هویتی را افزایش داد؟^۲ بسیاری، تجربه مکان را نشأت گرفته از نحوه ارتباط بین شخص و محیط می‌دانند. پس شناخت مکان، در لحظه حضور در آن صورت می‌گیرد که ساختار کالبدی با خصوصیات خود، تجارب ما از مکان، خاطره‌ها و احساسات وابسته به مکان را برای ما زنده می‌کند (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵) (جدول ۱).



تصویر ۸. شناخت بناهای شاخص در محدوده گذر وقت و ساعت (نگارندگان)

جدول ۱. تبیین نقش عوامل ادراک محیط در ادراک هویتی گذر وقت و ساعت

شاخص	بررسی شاخص در گذر وقت و ساعت
<p>خاطره (حس مکان)</p>  <p>حس مکان در گذر وقت و ساعت، تعامل عاطفی بین انسان و مکان (بناها و عناصر) را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا علاوه بر دستیابی به حس رضایت بیشتر از محل سکونت، حس تعلق و دل‌بستگی به فضا، امنیت، هویت و اصالت را در انسان تقویت نموده و مقدار زیادی اطلاعات توسط بیننده دریافت شود. حجم ساختمان بقعه سید رکن‌الدین، هتل موزه فهادان، خانه امام حسینی، زندان اسکندر در کنار میدان گاهی‌ها، ساباط‌ها و خانه‌های یک‌دست گذر در پی هم، باعث ایجاد وحدت و کیفیت‌های متنوع و متغیر گذر می‌شوند.</p>	
<p>سیما (چشم‌انداز)</p>  <p>- سیمای بیرونی عناصر شهری یزد امروزه همچون گذشته، دارای تصویری شفاف و خوانا نیست و به‌راحتی با مشاهده خصوصیات حجمی و شکلی، کارکرد و هویتی قابل لمس از خود در بیننده به وجود نمی‌آورد. تأکید بصری بر مسجد جامع یزد در درجه اول و بقعه سید رکن‌الدین در درجه دوم اهمیت در این پهنه، محور دید منحصر به فردی را خلق می‌کند. این محور دید، باعث گسترش و اتصال به واشدگاه انتهای گذر با فعالیتی جاذب جمعیت می‌شود (با عملکردهای بقعه دوازده امامی - زندان اسکندر - هتل موزه فهادان).</p> <p>- کششی غیریکنواخت در طول گذر، باعث جذابیت بصری آن می‌شود. تمامی "هَرنو"های قرارگرفته در طول گذر با ایجاد مسیرهای نوری در سایه، کیفیت‌های نابی را خلق می‌کنند. همچنین وجود ساباط با تعریف یک مرحله تاریکی و روشنایی، بر طی مسیر نمودن بازدیدکننده تأثیر دارد. پروخالی‌های داخل برخی از دیوارهای بیرونی بناهای عام‌المنفعه، نشان از ایجاد راهنمایی در کاربری‌های متفاوت گذر دارند.</p> <p>- در گذر وقت و ساعت، گنبد سفالی فیروزه‌ای (سبز-آبی) بقعه سید رکن‌الدین، با تمثیل از ته‌مایه رنگی که نماینده آب و آسمان است، از جنبه هماهنگی با رنگ نخودی بافت منطقه‌ای و معماری خانه‌ها در تضاد رنگی بوده و این تضاد را به خوبی به نمایش می‌گذارد.</p>	
<p>رویناد</p>  <p>گذر وقت و ساعت، فضایی را ارائه می‌کند که هر عابر پیاده همواره خود را در داخل گذر احساس کرده و حرکت و سیر خود را انتقال از فضای ورود به واشدگاه انتهایی می‌بیند و با داشتن عرضی کم اما متناسب برای عابر و دارا بودن ساباط در نقاط مختلف خود، پیوندی کالبدی با بناهای اطراف دارد. فضاهای ارتباطی گذر، عابر پیاده را از آزار آفتاب و گرمای سوزان تابستان و باد سرد و سرمای سخت زمستان تا حدی در امان نگاه می‌داشته و می‌دارد.</p> <p>عرض راه‌های ارتباطی با جایگاه آنها در سلسله مراتب شبکه ارتباطی شهری یزد متناسب بوده است. تقریباً هیچ پنجره و روزنی به سوی گذر باز نمی‌شده و تنها بخشی از نمای خارجی بنا که تزئین شده و از فضای مجاور خود متمایز می‌شد، ورودی بناها بود. ورودی بناهای عمومی و باشکوه با اوج گرفتن، نمایانگر عظمت بنا بوده است.</p>	

بررسی شاخص در گذر وقت و ساعت	شاخص
<div style="display: flex; justify-content: space-around;">   </div> <p>- آنچه منظر شهری در گذر وقت و ساعت را شکل می‌دهد، دسته‌ای از دیدهای پی‌درپی هستند. تدبیر ماهرانه در الگوی قابل تشخیص میدان-ساباط، چه به صورت کالبدی و یا به صورت عملکردی و معنایی باشد، به گونه‌ای است که دسته‌ای از دیدها و سکانس‌های متباین، هماهنگ و اندیشیده و به دنبال هم به دیده ناظر می‌آیند (میدان وقت و ساعت- ساباط، میدان امام حسینی- ساباط، واشدگاه‌های انتهایی گذر وقت و ساعت- ساباط).</p> <p>- وضعیت معابر گذر وقت و ساعت به شدت دگرگون شده است. ورود به دنیای جدید و رواج یافتن اقدامات شهری جدید، سبب شده تا گذرهای تازه تأسیس، واحدهای خدماتی خود را در لبه محله مستقر نموده و از این پس، خدمات به جای درون محله، در حاشیه محله ارائه شوند. اقداماتی چون تخریب محلات کهن شهری، به تبعیت از اصول جنبش مدرن انجام شدند. آنچه در رابطه با اندازه و فاصله، گذر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، این است که قوانین و استانداردهای عملکردی شهری قابل تعمیم، به خوبی در کالبد محله نقش‌نمایی می‌کنند. -نظم کالبدی بناهای عام‌المنفعه و تناسب ساختاری بناها، در کنار مقیاس ساختمان‌های گذر وقت و ساعت، همیشه ذهن را به این سمت سوق می‌دهند تا به دنبال اتفاقی تازه بگردد و معانی از قبیل؛ نفوذپذیری، ماندگاری، پایداری، خوانایی و تنوع را بجوید. این گونه واژه‌ها، با کلماتی چون؛ راحتی، رضایت و کارآیی نیز در ارتباط هستند. همان‌طور که بعد از یک میدان‌گاهی بزرگ‌مقیاس، دلالتی با تهویه و هوایی مناسب و کوچک‌مقیاس را می‌توان یافت، تناسبات کوچک‌مقیاس خانه‌ها در کنار قد برافراشته بقعه سید رکن‌الدین و بقعه دوازده‌امامی را می‌توان از نظر گذراند. پروخالی جداره‌ها (فخر و مدین بقعه سید رکن‌الدین و آب‌انبار وقت و ساعت) در برابر جداره یک‌دست و صاف و بی‌روزنه، خانه‌ها را نیز چشم‌نمایی می‌کنند که این انطباق عالی مکان و عمل را می‌توان نشان‌دهنده حصول مقیاس انسانی دانست.</p> <p>- از آنجایی که فعالیت‌ها و کنش‌های متفاوت گذر وقت و ساعت به راحتی بر اساس نیاز، زمان و ... تغییر می‌کنند، در فضای شکل‌یافته بافت، باید از سازمان فضایی مکان‌ها با عملکردهای مختلف خانه، هتل، واشدگاه و ... برای در بر گرفتن بیشترین حد ممکن فعالیت‌ها و کارکردهای آتی استفاده کرد.</p>	<p>تغییرات</p>
<div style="display: flex; justify-content: space-around;">  </div> <p>وضوح در درک و شناخت فضاهای گذر وقت و ساعت و سهولت برقراری پیوند بین عناصر و اجزای آن با سایر رویدادها و مکان‌ها، در یک تجلی منسجم ذهنی از زمان و مکان و ارتباط این تجلی با مفاهیم غیرفضایی و ارزش‌ها است.</p>	<p>نگارگان</p>

شدن، ماندگاری، جذابیت و همچنین عوامل ضعف آن، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

بحث و تحلیل

شاخص شدن گذر

تصویر ۹، به بررسی عوامل شاخص شدن پرداخته است. همان‌گونه که این تصویر نشان می‌دهد، پاسخ‌گویان، قدمت تاریخی با ۴۲٫۳٪ در حد زیاد، عناصر معماری درون گذر با ۴۰٫۸٪ در حد زیاد، نزدیکی به مسجد جامع با ۴۷٫۹٪ در حد زیاد و فرهنگ و موقعیت اجتماعی گذشته گذر با ۳۶٫۶٪ در حد زیاد را بیشترین درصد در شاخص بودن گذر دانسته‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی حاصل از آزمون خی-دو در مورد عوامل مؤثر در معرفی گذر

معیارهای متقارن	مقدار	سطح معنی‌دار
فی	۰٫۸۳۲	۰٫۰۰
کرمر وی	۰٫۴۸۰	۰٫۰۰
تعداد نمونه‌های معتبر	۷۱	-

(نگارندگان)

در ادامه، این پژوهش به دنبال این سؤال که چه چیزی باعث بروز ادراک هویتی گذر تاریخی وقت و ساعت شده است شروع شد، از آزمون خی-دو^۲ (به روش Descriptive Statistics) طی طریق نمود و بر طبق محاسبه مقادیر خی-دو در جدول ۴، عناصر تاریخی گذر را مؤثر بر این مدعا نشان می‌داد. به منظور بررسی هم‌بستگی بین میزان ماندگاری و افراد آشنا با گذر وقت و ساعت، از ضریب نیکوئی برازش (ضریب پیرسون) استفاده شد. در بررسی میزان ماندگاری، سکانس‌های کوچک در ذهن مخاطب آشنای گذر نشان می‌دادند که وجه هویت‌ساز عناصر بصری (شکل و اندازه بناها، نظم فضایی، بافت، سیما و پیکره و ...) برای آنها از سایر موارد (مانند شرایط مالی، خویشاوندی، دسترسی به امکانات و نزدیکی به محل کار) در شکل‌گیری ادراک هویتی در گذر، مهم‌تر بوده است. به منظور تأیید داده‌های به‌دست آمده در نتایج جداول ۴ و ۵، به بررسی و مطالعه شناخت خصوصیات کالبدی و عناصر معماری گذر وقت و ساعت یزد از طریق استفاده‌کنندگان فضا با آزمون فی و کرامرزی وی پرداخته شد؛ به طوری که ۳۲٪ از جامعه آماری را شامل می‌شد که بین ۵ الی ۱۰ سال در این محدوده زندگی کرده بودند و رابطه آشنایی افراد با عناصر تاریخی گذر با مدت‌زمان سکونت آنها در اطراف گذر، سطح معنی‌داری داشت (Sig=۰٫۰۰۰). میزان آشنایی افراد با عناصر معماری گذر، ۴۵٪ (در حد متوسط) و ۲۰٪ (در حد زیاد) بود. در ادامه، مهم‌ترین عوامل ادراک هویتی گذر شامل؛ شاخص

جدول ۳. شروط لازم و برقرار آزمون خی-دو در مورد عوامل مؤثر در معرفی گذر

ادراک هویتی	معیارهای متقارن	مقدار	درجه آزادی	وابستگی دو متغیره
عوامل ماندگاری	ضریب نیکوئی برازش	۲۴٫۵۸۵	۲۴	۰٫۴۲۹
	آزمون نسبت درست‌نمایی	۲۷٫۹۳۰	۲۴	۰٫۲۶۳
	هم‌بستگی خطی	۰٫۸۹۰	۱	۰٫۳۴۵
	تعداد نمونه‌های معتبر	۷۱	-	-

(نگارندگان)

جدول ۵. نتایج حاصله از آزمون در مورد شناخت خصوصیات کالبدی و عناصر معماری گذر

متغیرهای تحقیق	تعداد نمونه	بازه مورد انتظار	باقیمانده
آشنایان	۷۶	۱۴٫۸	۳۲٫۳
افراد گذری	۱۲	۱۴٫۸	-۵٫۸
معرفی از طریق هتل	۵	۱۴٫۸	-۱۲٫۸
شناخت قبلی	۷	۱۴٫۸	-۱۳٫۸
مجموع	۱۰۰	-	-

(نگارندگان)

جدول ۴. نتایج حاصله از آزمون در مورد میزان ارتباط عوامل ماندگاری در گذر با میزان آشنایی افراد از عناصر تاریخی گذر

مقدار	برچسب
۹۶٫۵۹۳	خی-دو
۴	درجه آزادی
۰٫۰۰۰	سطح معنی‌دار

(نگارندگان)

ماندگاری گذر

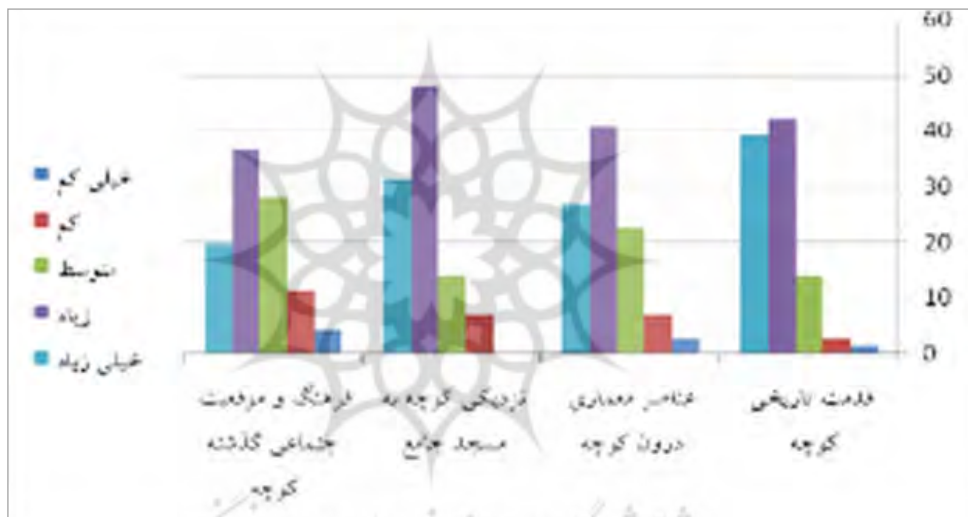
تصویر ۱۰، به بررسی عوامل ماندگاری گذر در ذهن بیننده برای نخستین بار پرداخته است. همان گونه که این تصویر نشان می‌دهد، پاسخ‌گویان، یک‌دست بودن گذر از لحاظ معماری با ۴۲،۳٪ در حد زیاد، وجود عامل مذهبی درون گذر با ۴۳،۷٪ در حد زیاد، پیچ در پیچ بودن و حس کنجکاوی در درون گذر با ۳۶،۶٪ در حد زیاد، وجود فضاهای سایه‌انداز در گذر همانند سایه‌بان با ۴۰،۸٪ در حد زیاد و تک بناهای معماری با ۴۵،۱٪ در حد زیاد را ماندگاری گذر در ذهن برای نخستین بار دانسته‌اند.

جذابیت گذر

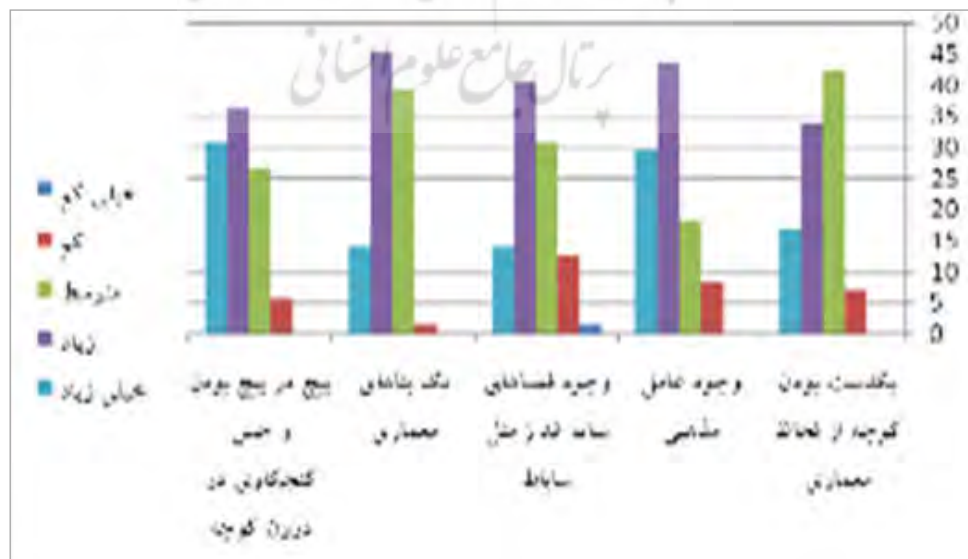
تصویر ۱۱، به بررسی عوامل جذابیت گذر پرداخته است. پاسخ‌گویان، عوامل مذهبی مانند حسینیه‌ها، بقعه دوازده امامی و ... با ۳۶،۶٪ در حد زیاد، خانه‌های سنتی با ۳۹،۴٪ در حد زیاد، سایه‌بان‌های موجود در گذر با ۴۷،۹٪ در حد زیاد، فضاهای میدان‌گاهی با ۳۵،۲٪ در حد زیاد، دید مناسب به باغچه‌ها با ۳۸٪ و عوامل خدماتی مانند آب‌انبارها، بازارچه‌ها و ... با ۳۵،۲٪ در حد زیاد را جزء عوامل جذابیت کوچه مؤثر دانسته‌اند.

معایب گذر

تصویر ۱۲، به بررسی عوامل معایب گذر پرداخته است. پاسخ‌گویان، مداخله مسیر سواره و پیاده با ۳۵،۲٪ در حد زیاد،



تصویر ۹. نمودار عوامل شاخص شدن گذر (نگارندگان)



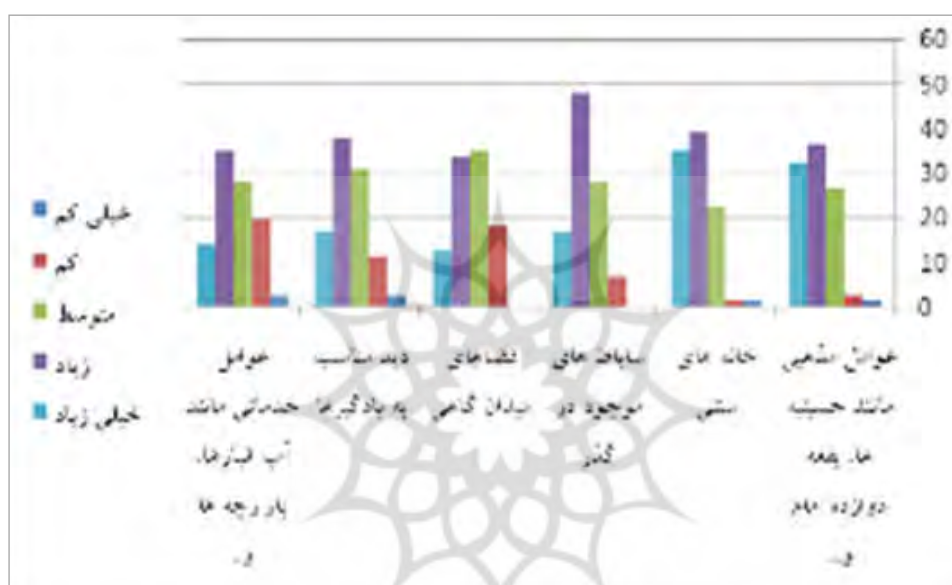
تصویر ۱۰. نمودار عوامل ماندگاری گذر (نگارندگان)

افراد، رابطه معنی‌داری وجود نداشته است (جدول ۶) تا صحت اطلاعات بار دیگر، مورد ارزیابی و تدقیق قرار گیرد.

جمع‌بندی

تطبیق نتایج به‌دست آمده از مطالعات عمیق میدانی، مصاحبه‌ها و مشاهدات با نتایج به‌دست آمده از مطالعه آمار استنباطی، بیانگر دلالت‌هایی قابل توجه در محیط گذر است. در این راستا، نتایج، بر وجه معماری کالبد گذر (عناصر ادراک محیط) دلالت دارند که بر خوردار از عوامل ادراکی در تنظیم

عدم هماهنگی کف‌سازی با جداره‌های ساختمان‌ها با ۳۲,۴٪ در حد زیاد و عدم وجود امنیت با ۴۳,۷٪ در حد خیلی زیاد را جزء معایب گذر دانسته‌اند. در ادامه، به بررسی خصوصیات کالبدی و عناصر معماری گذر وقت و ساعت از طریق استفاده‌کنندگان فضا پرداخته شد تا میزان ارتباط معایب گذر با مدت‌زمان سکونت افراد سنجیده شود که طبق محاسبه مقادیر آزمون خی-دو (به روش Descriptive Statistics)، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بین عوامل معایب گذر و مدت‌زمان سکونت



تصویر ۱۱. نمودار عوامل جذابیت گذر (نگارندگان)



تصویر ۱۲. عوامل معایب گذر (نگارندگان)

مکان‌های رفتاری معابر، مستلزم توجه به سه وجه عمده است. این سه وجه (مؤلفه ادراکی، مؤلفه جمعی - فضایی، مؤلفه فیزیکی - فضایی)، هر یک مؤلفه‌های دلالت‌کننده بر تعامل سه حوزه اصلی ادراک یعنی؛ انسان، احساس و شناخت را تشکیل می‌دهند.

و نظارت رابطه مخاطب با ادراک هویتی گذر در بافت‌های تاریخی است. بدین معنا که هر یک از حوزه‌های مورد مطالعه ادراکی ساکنین، بر اهمیت فضاهای مذهبی، عناصر معماری و توسعه درون‌زا تأکید ورزیده‌اند. از این‌رو، محیط کالبدی به‌ویژه در حوزه معابر عمومی و گذرها یا به‌عبارت‌دیگر، طراحی

جدول ۶. نتایج حاصله از آزمون در مورد میزان ارتباط گذر با مدت‌زمان سکونت افراد

سطح معنی‌دار	درجه آزادی	مقدار	معیارهای متقارن
۰,۶۷۶	۴۴	۳۹,۲۳۴	آزمون نیکوئی برازش
۰,۵۱۱	۴۴	۴۳,۰۷۶	آزمون نسبت درست‌نمایی
۰,۳۱۸	۱	۰,۹۹۹	هم‌بستگی خطی
-	-	۷۱	تعداد نمونه‌های معتبر

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

این پژوهش، به دنبال ارزیابی نقش عناصر بصری گذر وقت و ساعت یزد در میزان ادراک هویتی مخاطب بر اساس عوامل ادراک محیط بود. نتایج پژوهش بیان داشته که افراد ساکن و آشنا به این گذر، بخش اعظم جامعه تأثیرگذار بر گذر را تشکیل می‌دهند. حس تعلق و ادراک هویت برای مخاطبین آشنای گذر از دیگر موارد، نسبت به ویژگی‌های محل زندگی برای آنها از اهمیت بالاتری برخوردار است. به دلیل همین حس تعلق و اهمیت برای مخاطبین گذر، ساکنین اطراف گذر، تمایل کمتری برای جابجایی و تغییر مکان دارند. این هویت ادراکی ایجادشده و رشدیافته در میان مخاطبین، کیفیتی بوده که در اثر تک بناهای معماری که برآیند تفکر عمومی جامعه را در خود نهان دارد، عیان شده است. مشخصه‌ها و ویژگی‌های فضاها در ارتباط با ادراک هویتی - یک‌دستی عناصر گذر، برگزاری مراسم و آیین‌های سنتی، خانه‌های تاریخی، دید و منظر مناسب به عناصر معماری، عوامل خدماتی، فرهنگ و موقعیت اجتماعی گذشته، در فضای زندگی گذر تأثیر می‌گذارند. به‌طور خلاصه، نتایج تحقیق بیان می‌دارند که:

- ادراک هویتی در محیط گذر، نیاز بیشتری به فعالیت‌های فرهنگی و آیینی جمعی و مشارکت افراد دارد.
- هرگاه یک‌دستی گذر با عناصر و کاربری‌های مذهبی آن و دیگر بناها، ارتباطی از نوع صورت و معنا یابد، ماندگاری، جذابیت و شاخص شدن گذر را در پی خواهد داشت که معیاری از قبیل؛ مداخله سواره و پیاده و عدم هماهنگی کف‌سازی جداره و نما را نیز در بر می‌گیرد.
- شیوه زندگی و ارزش‌ها و هنجارهای جاری زندگی، بر کیفیت تعامل مخاطبین و محیط گذر دلالت دارند؛ از این‌رو، توجه به بستر مورد مطالعه در پژوهش ضروری بوده و به منظور دستیابی به نتایج کاربردی، انجام چنین پژوهش‌هایی مبتنی بر زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی لازم است.

کلام آخر اینکه در نظر گرفتن و شناسایی؛ ۱. بناهای مخروطی، خانه‌های خالی از سکنه، زمین‌های خالی از بنا یا فضاهای سبز و با الگو قرار دادن ارزش‌های سنتی ارتباطات قدیم (واحدهای همسایگی، بافت ارگانیک و زنده) و ۲. الگوهای نظام‌مند جدید (همچون راه‌یابی اتومبیل به بافت مسکونی، عملکردهای معاصر، امنیت و دید در شب، جداره‌های شفاف)، به‌وسیله عناصر ادراک محیط، نشان از طراحی فضاهای عمومی دارد که با وجود امروزی بودن آنها، دارای الگوهای مناسب جامعه ایرانی امروزی باشند. بدین ترتیب، مخاطبین گذرها و معابر امروزی می‌توانند در محیطی زندگی کنند که سرشار از احساس تعلق، مشارکت، علاقه و دل‌بستگی نسبت به محیط باشد. همچنین با ثبت کلی گذر وقت و ساعت و سایر معابر تاریخی هم‌تراز، می‌توان ضمن حفاظت و احیای گذر در سامان نظام ادراکی بیننده، تأثیر به‌سزایی را انتظار داشت.

پی‌نوشت

۱. در سال ۷۲۵ (ق.ه.) توسط فردی به نام «ابوبکر ساعت‌ساز یزدی»، ساعتی در مدرسه رکنیه قدیم یزد واقع در کنار مسجد جامع یزد نصب شد که این ساعت با استناد به کتاب "احوال و آثار نقاشان"، اولین ساعت شهری دنیا بوده است و همین امر باعث شد این مکان، وقت و ساعت نام گیرد.
 ۲. برای اعتبار یا پایایی پرسش‌نامه، ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های این پرسش‌نامه (به تعداد ۶۰ نمونه تصادفی) به‌دست آمد که برابر ۰,۷۵ بوده و این نشان می‌دهد پرسش‌نامه، از پایایی مطلوبی برخوردار بوده است (Cronbach, 1951) (Reliability Analysis).
3. Chi-Square

منابع و مآخذ

- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۵). **زبان الگو**. ترجمه رضا کربلایی نوری، چاپ پنجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.
- امینی، الهام (۱۳۸۷). **تجزیه بافت شهری و تحلیل عوامل فرسودگی آن در ایران از دیدگاه شهرسازی**. اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری. مشهد مقدس.
- استوتزل، ژان (۱۳۷۳). **روان‌شناسی اجتماعی**. ترجمه علی کاردان، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
- براتی، ناصر و سلیمان‌نژاد، محمد علی (۱۳۹۰). ادراک محرک‌ها در محیط کنترل‌شده و تأثیر جنسیت بر آن - نمونه موردی مطالعه: دانشجویان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی الزهرا. نشریه علمی-پژوهشی **باغ نظر**، سال هشتم (۱۷)، ۱۹-۳.
- بنه‌ولو، لئونارد (۱۳۸۵). **تاریخ شهر؛ شهرهای اسلامی و اروپائی در قرون وسطی**. ترجمه پروانه موحد، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵). **هنر اسلامی: زبان و بیان**. ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ ششم، تهران: سروش.
- پورجعفر، محمدرضا؛ پورمند، حسن علی؛ ذیحی، حسین؛ هاشمی‌دمنه، لیلیاسادات و تابان، محسن (۱۳۹۰). پدیدارشناسی هویت و مکان در بافت‌های تاریخی. **فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، ۱ (۳)، ۲۰-۳.
- دامیار، سجاد (۱۳۹۳). رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت‌بخش در معماری. **مجله علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا**، ۳۳ (۱۴۶)، ۱۰۶-۹۱.
- دانش، جابر (۱۳۸۹). مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی. **فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، ۱ (۱۱)، ۳۱-۱۵.
- دانشپور، عبدالهادی و شیرین، الهام (۱۳۹۴). عناصر کالبدی کارکردی شکل‌دهنده به هویت بافت‌های تاریخی شهر ایرانی اسلامی. **فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان**، ۵ (۱)، ۲۵-۱۷.
- ژید، آندر (۱۳۶۷). **مآنده‌های زمینی**. ترجمه پرویز داریوش و جلال آل احمد، چاپ هشتم، تهران: اساطیر.
- شماعی، علی (۱۳۸۹). نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن شهر یزد. **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال اول (۱)، ۱۰۵-۹۳.
- غفاری سده، علی (۱۳۷۱). مبانی طراحی فضاهای متوالی در معماری شهری. **مجله صفا**، سال دوم (۸-۷)، ۸.
- لطیفی، غلامرضا و صفری چابک، ندا (۱۳۹۲). بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی. **فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری**، ۲ (۸)، ۱۲-۳.
- نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۷۸). **درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی**. چاپ سوم، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۵). **معماری: حضور، زبان و مکان**. ترجمه علیرضا سیداحمدیان، چاپ دوم، تهران: نیلوفر.
- _____ (۱۳۸۷). **مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی**. ترجمه محمود امیر یارمحمدی، چاپ دوم، تهران: آگه.
- Brown, K. L. (1973). "From Madina to Metropolis: Heritage and Change in the Near Eastern City" (Book Review). *Islamic Quarterly*, 17 (3), 187.



- CANTER, D. B. & GROAT, J. (1977). **The Psychology of Place** Architectural Press.
- Cronbach, L. J. (1951). Coefficient alpha and the internal structure of tests. *psychometrika*, 16 (3), 297-334.
- Downing, F. (2003). Transcending memory: remembrance and the design of place. *Design Studies*, 24 (3), 213-235.
- Hashemnezhad, H.; Heidari, A. A. & Mohammad Hoseini, P. (2013). Sense of place and place attachment. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 3 (1), 5-12.
- Kruzhkova, O. V. (2013). Peculiarities of Urban Architectural Space Representations. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 86 (1), 295-300.
- Lewicka, M. (2010). What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment. *Journal of environmental psychology*, 30 (1), 35-51.
- Movahed, A.; Shamai, A. & Zanganeh, A. (2012). Recognition of physical identity in Islamic cities (case study: Rey). *Journal of Regional Planning*, 2 (5), 37-51.
- Norberg-Schulz, C. & Norberg-Schulz, M. (1980). **Meaning in Western Architecture**. Londres: Studio Vista.
- Rapoport, A. (1990). **The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach**. United States: University of Arizona Press.
- Relph, E. (1976). **A Geography of the Lifeworld**. London: Pion publication.
- Ujang, N. (2012). Place attachment and continuity of urban place identity. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (49), 156-167.
- Wheatley, P. (1976). Levels of space awareness in the traditional Islamic city. *Ekistics*, 42 (253), 354-366.



Received: 2018/12/27

Accepted: 2019/09/18

Rereading the Role of Visual-Perceptual Elements of Historic Context Passages of Yazd to Organize Citizens' Perceptual System

Amir Ehsan Pouyan* Abdolhamid Ghanbaran**
Abbas Hosseinzadeh***

Abstract

5

Paths located in ancient districts are flexible and lively places to understand man's position in the environment and his/her connection with the past. Developing the sense of belonging to place in neighborhoods of the old texture of Yazd by people's interaction with the paths can be effective in managing and reforming the affairs of neighborhoods, residential environment and organizing neighborhoods. This factor can create a strong and two-way relationship between the perceptual organization, order, and determining urban space, with the help of environmental perception factors. The purpose of this study is to better understand the urban elements and components, and perceive the meaning of places and strengthen individual and social identity. The question of this research is determining the role of visual elements of Vaght O Saat path in Yazd in the amount of audience perception based on environmental perception factors. To answer this question, Vaght O Saat path in Yazd was selected, the research method in first part was field and descriptive-analytical using library resources and valid research, and in the second part, data and research variables were analyzed based on survey method with observation tool, questionnaire and interview. The views of passers-by in the field of identity perception of visual elements were collected through questionnaires with statistical volume taken from Cochran's formula, and were analyzed in the form of SPSS software, during statistical tests. Different components in the environmental perception of Vaght O Saat's path were considered, which included deep connection with the path, their awareness of the context and environment and background, and being from Yazd. And. On the other hand, the results of study show that visual elements such as archways, ribs and stonecarpet flooring of plinth and entrance of some distinguished public buildings, has a particular importance in reviewing visual elements of Vaght O Saat path in Yazd. In this regard, the registration of the pass that its protection and restoration can stabilize and intensify the role of path in the organization of residents' perceptual system, is one of the strategies to preserve and revive this historical passage.

Keywords: Visual Elements, Old Texture of Yazd, Perceptual Organization, Vaght O Saat Path, Environmental Perception

* Ph.D Holder in Architecture Major, Architecture and Urban Design Faculty, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. pouyanehsan@gmail.com

** Associate Professor, Architecture and Urban Design Faculty, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. ghanbaran@sru.ac.ir

*** M.A Holder in Architecture Major, Rouzbahan Higher Education Institute, Sari, Mazandaran Province, Iran. abbas.hoseinzadeh.ar@gmail.com